

رابطه‌ی سخت‌رویی روان‌شناختی با سازگاری زناشویی

لادن معین^۱، پروین غیائی^۲ و راضیه مسموعی^{۳*}

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی رابطه‌ی سخت‌رویی با سازگاری زناشویی دبیران متوسطه‌ی شهر شیراز در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش دبیران متوسطه‌ی چهار ناحیه‌ی شهر شیراز بود که ۳۲۴ نفر (۱۷۸ دبیر مرد و ۱۴۶ دبیر زن) به صورت تصادفی خوشه‌ای مرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند و پرسشنامه‌ی سازگاری زناشویی اسپانیر (spanier, 1976)، پرسشنامه‌ی سخت‌رویی (زمینه‌یابی دیدگاه‌های شخصی)، در مورد آن‌ها اجرا گردید. جهت تجزیه و تحلیل یافته‌ها، افزون بر روش‌های آمار توصیفی از آزمون t مستقل، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون همزمان استفاده شد. نتایج نشان دادند که بین سخت‌رویی با سازگاری زناشویی رابطه‌ی معنادار وجود دارد. بین کنترل، تعهد، مبارزه جویی با سازگاری زناشویی رابطه‌ی معنادار وجود دارد. بین سازگاری زناشویی زنان و مردان تفاوتی معنادار وجود دارد. بین میزان سخت‌رویی روان‌شناختی زنان و مردان تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که سخت‌رویی پیش‌بینی‌کننده‌ی سازگاری زناشویی است.

واژه‌های کلیدی: سازگاری زناشویی، سخت‌رویی، کنترل، تعهد، مبارزه جویی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- استاد یار هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی. واحد مرودشت. گروه مشاوره. مرودشت. ایران.

ladanmooein@gmail.com

۲- استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت گروه علوم تربیتی مرودشت ایران.

p.ghiasi@yahoo.com

۳- کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت.

*- نویسنده‌ی مسئول مقاله: m14248@yahoo.com

پیشگفتار

خانواده کانون مهر، محبت و تربیت و مبنای شکل‌گیری زندگی اجتماعی انسان‌هاست. آن چه در خانواده و یگانگی زن و مرد نقشی بیش‌تر بر عهده دارد، سازگاری زناشویی^۱ می‌باشد. به همین دلیل، بررسی مسئله‌ی سازگاری زناشویی از جهات گوناگون چه ابعاد فردی و چه ابعاد اجتماعی امری مهم است. در بعد فردی این مسئله مهم است چرا که اگر یک زوج در روابطشان با یکدیگر نتوانند به یک توافق نسبی و در نتیجه، سازگاری برسند، کارکردهای خانواده مختل می‌شود و شاید تنها راه حل آن جدایی باشد که این راه حل نیز پیامدهای منفی بسیاری برای هریک از زوجین و فرزندان آنان در پی خواهد داشت. در بعد اجتماعی نیز این مسئله اهمیتی ویژه دارد زیرا اگر خانواده که کوچک‌ترین واحد اجتماعی است، دچار دگرگونی و آسیب شود، بر کل جامعه تاثیر می‌گذارد و سلامت جامعه را با مخاطره روبه‌رو می‌کند. این امر برای کشور ما و بویژه در شرایط کنونی، از اهمیتی بسیار برخوردار است. شواهد نشان دهنده‌ی افزایش خشونت‌های خانوادگی و میزان طلاق است. هر روز بر شمار کودکانی که بر اثر جدایی و یا خشونت والدین از کانون خانواده دور می‌شوند، رو به افزایش است. این کودکان با ورود به جامعه مسایل و جرایم بسیاری را بدنبال می‌آورند و آشکارا امنیت و سلامت جامعه را تهدید می‌کنند. این مسایل به وضوح ضرورت خود را نشان می‌دهد تا پژوهشگران در پی یافتن راهکارهایی برای جلوگیری از آن‌ها برآیند.

بر همین اساس، این پژوهش در پی آن است که ارتباط یکی از ویژگی‌های شخصیتی به نام سخت‌رویی^۲ (سرسختی) را با سازگاری زناشویی بسنجد. برای انجام این کار، دبیران آموزش و پرورش به عنوان جامعه‌ی هدف انتخاب شدند. دلیل انتخاب آن‌ها، نقش مهمی است که در جامعه ایفا می‌کنند. آن‌ها در ارتباط مستقیم با مردم هستند و چنانچه از کیفیت زندگی خوب و مناسبی برخوردار نباشند، طبیعتاً هم خودشان آسیب می‌بینند و هم نظام آموزش و تربیت دچار مشکل خواهد شد. با اشراف بر مطالب یاد شده، در این پژوهش "رابطه‌ی سخت‌رویی روان‌شناختی با سازگاری زناشویی دبیران مقطع متوسطه‌ی شهر شیراز" مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مبانی نظری

خانواده به عنوان یک گروه واحد اجتماعی در برگیرنده‌ی بیش‌ترین، عمیق‌ترین و اساسی‌ترین مناسبات انسانی است که بر اساس ازدواج و زندگی زناشویی شکل می‌گیرد. روی هم رفته، ازدواج را

^۱ - marital adjustment

^۲ - hardness

می‌توان ارتباطی دانست که دارای تمامیت بی نظیر و گسترده‌ای است؛ ارتباطی که دارای ابعاد زیستی، عاطفی، روانی، اقتصادی و اجتماعی است (Sheykh Mohseni, 2005).

نظر به اهمیت خانواده، پژوهشگران و صاحب نظران پژوهش‌های و نظریه‌های متعددی در مورد خانواده ارائه کرده‌اند. برای مثال، مورگان به عنوان یک جامعه‌شناس، برای تطور خانواده چهار مرحله قایل شده است. وی بر این باور است که در مرحله‌ی نخست، از آن‌جا که هنوز مفهوم مشروعیت و نبود مشروعیت مطرح نشده بود، جامعه در یک هرج و مرج جنسی به سر می‌برد و هیچ قاعده‌ای در روابط بین دو جنس حاکم نبود. در مرحله‌ی دوم، با پدید آمدن پدیده‌ی منع زنا با محارم، محدودیت‌هایی در روابط ایجاد شد و در مراحل بعدی خانواده‌ای پیچیده تر و از نظر ارزشی در سطحی بالاتر پدید آمد (Sarokhani, 2002). امروزه خانواده بر اساس اصول و هنجارهایی ویژه شکل می‌گیرد و حفظ و ارتقای روابط خانوادگی از ارزشی بسیار برخوردار است. به همین دلیل، در سال‌های اخیر کوشش‌های بسیاری صورت گرفته تا ثبات و کیفیت روابط زناشویی را با استفاده از مفاهیمی چون سازگاری زناشویی، موفقیت، رضایت، ثبات، خوشبختی، توافق و مفاهیمی شبیه این‌ها ارزیابی کنند (Sedghamiz, 1997). با وجود اهمیت همگی مفاهیم ذکر شده، آن چه در ازدواج و یگانگی زن و مرد دارای نقشی بیش‌تر است، سازگاری زناشویی می‌باشد.

از نظر لیدر (Lederer, 1999) سازگاری عبارت است از رفتار مفید و موثر آدمی در تطابق با محیط فیزیکی و روانی به گونه‌ای که تنها با تغییرات محیط هم‌رنگی نکرده و به پیروی ناهشیار از آن بسنده نمی‌کند بلکه خود نیز می‌تواند در محیط تاثیر گذاشته و آن را به گونه‌ای مناسب تغییر دهد (Quated by Olia, 2010).

پژوهش‌های گوناگونی در جهت شناسایی عوامل موثر بر سازگاری و ناسازگاری زوجین صورت گرفته است (فوورس والس (Fowers & Olson, 1986)؛ هلمن و همکاران (Holmal & etal, 1995) و برادباری و فینچام (Bradbury & Fincham, 2000)). بر این اساس، عوامل گوناگونی شناسایی شده‌اند که از بین آن‌ها می‌توان به عوامل فردی، عوامل اجتماعی- فرهنگی، وضعیت کنونی زندگی، عوامل ارتباطی دوجانبه و فرآیندهای بین فردی اشاره کرد (Quated by Ahmadi, Ashtiani, Navabi Nezhad, 2005).

گرچه عوامل اجتماعی و فرهنگی نقشی مهم در سازگاری زناشویی دارند، اما عوامل یا ویژگی‌های فردی که در این‌جا از آن به عنوان شخصیت نام برده می‌شود، تاثیر ویژه و بیش‌تری دارند. روی هم رفته، شواهد موجود نشان می‌دهند که عوامل شخصیتی، پیش‌بینی‌کننده‌های تجربی موثری برای سازگاری و ثبات زناشویی هستند و وجود روابط بین عوامل شخصیتی و بازدهی زناشویی زوجین با استفاده از طرح‌های طولی و مقطعی گوناگون تایید شده است (Shokr

kon,2006). اگر شخصیت را به عنوان ترکیبی از اعمال، افکار، هیجانات و انگیزش‌های فرد بدانیم، مولفه‌های سازنده آن ممکن است در افراد گوناگون، متفاوت باشند. از سوی دیگر، امکان دارد این مولفه‌ها از راههای گوناگونی ترکیب شده باشند؛ به گونه‌ای که الگوهای شخصیتی گوناگونی را بوجود آورند. یکی از این ویژگی‌های شخصیتی، سرسختی روان‌شناختی (سخت‌رویی) است (Verdi,2001).

سوزان کوباسا (Kobasa,1997) پژوهشگری که تئوری شخصیت متهور^۱ را مطرح کرد، این نظریه را ارایه داد که سخت‌رویی روان‌شناختی مجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی است که در هنگام روبارویی با وقایع استرس‌زای زندگی، به عنوان منبع مقاومت ایفای نقش می‌کند. وقایع استرس‌زای زندگی با افزایش علائم بیماری مرتبط هستند، اما سرسختی روان‌شناختی به عنوان میانجی بین وقایع استرس‌زا و بیماری عمل می‌کند و امکان بروز علائم بیماری را کاهش می‌دهد. این تعامل مهم و (پیش‌بینی‌کننده) نشان می‌دهد که اگر فردی با وقایع به شدت استرس‌زا مواجه شود، برای سالم ماندن باید سرسخت باشد. کوباسا در پژوهش‌های خود نشان داد، در میان افرادی که با مسایل اضطراب‌آور مهمی روبه‌رو می‌شوند، احتمال دارد کسانی که دارای میزان بالایی از تهور یا (سخت‌رویی) هستند، از آن‌هایی که تهور کم‌تری دارند و از خود بی‌زاری نشان می‌دهند یا از کسانی که در صورت تغییر و پیشامد از نظر روحی و جسمی آسیب می‌بینند، کمتر دچار بیماری شوند. بنابراین، می‌توان گفت سخت‌رویی یک احساس عمومی است مبنی بر این که شرایط محیط ایده‌آل است و باعث می‌شود که انسان موقعیت‌های پر استرس را بالقوه، با معنی و جالب ببیند و به این صورت که آن‌ها را به جای تجارب مختصر و کوچک به تجارب بزرگ و پیشرفته تبدیل می‌کند (Meddi & etal,1993).

با توجه به اهمیتی که پژوهشگران برای سخت‌رویی قایل شده‌اند و با توجه به آثار و پیامدهای مثبت این ویژگی، طرح این سوال بدیهی است که آیا می‌توان سخت‌رویی را آموزش داد و یا این‌که سخت‌رویی تنها یک ویژگی ذاتی است. لامبرت (Lambert, 2007) پس از پژوهش‌های متعددی که در همین زمینه انجام داد، به این نتیجه رسید که سخت‌رویی یک ویژگی اکتسابی و یادگرفتنی است نه صرفاً یک ویژگی ذاتی. این ویژگی مثبت به عنوان یک سازه‌ی شخصیتی از تجربیات مفید و متفاوت دوران کودکی نشأت می‌گیرد و به تدریج به عنوان یک ویژگی کلی، در رفتارها و احساسات فرد ظاهر می‌شود. این ویژگی اکتسابی (سخت‌رویی) بر اساس نظر کوباسا از سه مولفه‌ی

1 - hardy Personality

تعهد^۱، کنترل^۲ و مبارزه جویی^۳ تشکیل شده است.

تعهد

تعهد نوعی احساس بنیادین هدفمند یا حس به هم پیوستگی است که ضروری‌ترین و جامع‌ترین منع مقاومت در برابر هر نوع تنش می‌اشد. شخصی که از تعهد بالایی برخوردار است، به اهمیت، ارزش و معنای این‌که چه کسی است و چه فعالیت‌هایی انجام می‌دهد باور دارد (Ugen & etal, 2000).

کوباسا (Kobasa, 1979) بر این باور است که تعهد با خود، اساسی‌ترین عامل حفظ بهداشت است. تعهد یعنی توانایی شناخت ارزش‌ها، اهداف و اولویت‌های ویژه‌ی یک فرد، ارزیابی دقیق تهدیدی که یک موقعیت خاص زندگی ایجاد می‌کند و برای برخورد مناسب با آن ضروری است. به بیان دیگر، مناسبات افراد متعهد با خود و با محیط‌شان متضمن فعال بودن و روی آوری است تا منفعل بودن و روی گردانی.

کنترل

مولفه‌ی کنترل در سخت رویی به مفهوم "مرکز کنترل"^۴ که نخستین بار در سال ۱۹۶۰ به وسیله‌ی راتر بکار برده شد، نزدیک است. از نظر راتر، افراد دارای منبع کنترل داخلی^۵ مطمئن هستند که می‌توانند در دگرگونی محیط اطراف خویش اثرگذار باشند نه درمانده؛ در حالی که افراد باورمند به منبع کنترل خارجی^۶ بر این باورند که در تغییر محیط بی تاثیر یا دارای اثر ناچیز می‌باشند (Quated by Jamhari, 2002).

از نظر سازگاری، احساس کنترل منتهی به کارهایی می‌شود که هدفشان تغییر وقایع به چیزی است که با نقشه‌های در حال اجرای زندگی مطابقت داشته و مغایرت کم‌تری با آن‌ها دارد. کنترل همانند مقاومت در برابر استرس، مسئول ارایه و بسط پاسخ‌ها و واکنش‌های زیاد و متنوعی در برابر استرس است که حتی در خطرناک‌ترین موقعیت‌ها نیز می‌توان به آن متکی بود (Kiamarsi, 2006).

1 - commitment

2-control

3 -challenge

4- locus of Control

5 -internal

6 - external

مبارزه جویی

مبارزه جویی باور به این امر است که تغییر، نه ثبات، جنبه‌ی طبیعی زندگی است و این تغییر مبارزه‌ای هیجان‌انگیز برای رشد بیش‌تر است. مبارزه جویی با تقویت انعطاف‌پذیری و پذیرا بودن موجب می‌شود که حتی رویدادهای بسیار ناهماهنگ با رویدادهای طبیعی زندگی فرد تلفیق شوند و به گونه‌ای مطلوب مورد ارزشیابی قرار گیرند (Ugen & etal, 2000).

نظریه‌های زیربنایی سخت‌رویی

به باور یونگ سلامت روان فردیت یافتن^۱ است و نخستین شرط فردیت یافتگی، آگاهی از آن جنبه‌های نفس است که مورد غفلت قرار گرفته‌اند (by Quated Schultz, 1977). به همین دلیل می‌توان گفت فردیت یافتگی یونگ تقریباً نزدیک به سرسختی روان‌شناختی است (Kiamarsi, Abolghasemi, 2006).

به باور مزلو، آخرین مرحله‌ی نیازها، نیاز به خودشکوفایی است. او در بررسی‌های خود در مورد افراد خودشکوفی دریافت که آن‌ها دارای ویژگی‌هایی هستند که منجر به حفظ و تقویت سلامت روانی آن‌ها می‌شود. بررسی‌های متعدد کوباسا که با نظریه‌های مزلو و نظر او درباره‌ی خود شکوفایی همخوانی داشت، این باور را ایجاد کرد که داشتن تعهد، کنترل و استقبال از مبارزه طلبی‌های زندگی می‌تواند سدی در برابر استرس ایجاد کند و این‌که شخصیت با ویژگی سخت‌رویی می‌تواند از سلامت خوبی برخوردار شود (Quated by Seaward, 1997).

آلپورت اصل مهارت و شایستگی^۲ را در مورد انگیزش شخصیت سالم مطرح می‌کند. این اصل متضمن این است که انجام کار در حد متوسط گاهی افراد سالم را ارضاء نمی‌کند بلکه این‌گونه افراد فعالانه و سرسختانه در پی هدف‌ها، امیدها و رویاهای خویش هستند و رهنمون زندگی آن‌ها معناجویی، ابتکار و حس تعهد است. آنچنان که مشخص است، اصل مهارت و شایستگی آلپورت، سرسختی را در بر می‌گیرد (Quated by Kiamarsi & Abolghasemi, 2006).

مفهوم سخت‌رویی ریشه در روان‌شناسی وجودی دارد. مولفه‌های سخت‌رویی و از جمله مهم‌ترین آن‌ها، یعنی تعهد (احساس نیرومند هدف شخصی)، بسیاری از نظریه‌های ارائه شده به وسیله‌ی وجودگرایان را در بر می‌گیرد. باور پژوهشگران مبنی بر این‌که سخت‌رویی ریشه در روان‌شناسی وجودی دارد، موضوعی کاملاً مناسب و بجاست؛ چراکه در ظاهر تلاش موفقیت‌آمیز

1- Principle of Competence

2 - Individuation

افراد در جستجوی معنا و هدف در زندگی و به قول کوباسا ویژگی تعهد بالا، دو مولفه‌ی دیگر سخت رویی، یعنی کنترل و چالش را در پی خود دارد (Seaward, 1997).

پیشینه‌ی پژوهش

یک بررسی اجمالی از پژوهش‌های انجام شده در داخل و خارج از کشور در زمینه‌های سخت رویی و سازگاری زناشویی نشان می‌دهد که تا کنون پژوهش‌های متعددی در مورد این دو سازه انجام شده است. در زمینه‌ی ارتباط این دو سازه فقط چندین پژوهش خارجی انجام شده و هیچ پژوهش داخلی تا سال ۱۳۹۰ ارتباط این دو سازه را نسنجیده است. یکی از مهم‌ترین پژوهش‌های خارجی که در مورد بررسی رابطه‌ی سخت رویی و سازگاری زناشویی انجام گرفته است، کاری است که یوگن و همکاران (Ugen & etal, 2000) انجام داده اند. هدف آن‌ها از اجرای پژوهش کشف این نکته بود که آیا ابعاد سه گانه‌ی سخت رویی با سازگاری زناشویی رابطه‌ای معنادار دارند. نتایج آن‌ها نشان داد که بین سخت رویی و سازگاری زناشویی رابطه‌ی مثبت معناداری وجود دارد، یعنی زوج‌هایی که نمره‌های سخت رویی در آنان بیش‌تر است، سازگاری بیش‌تری در زندگی زناشویی دارند و زوج‌هایی که نمره‌های سخت رویی آن‌ها پایین‌تر است، سازگاری زناشویی کم‌تری دارند.

امریکنر و همکاران (Amerikaner & etal, 1994) در پژوهشی رابطه‌ی سلامت روانی با تعاملات ادراک شده‌ی خانواده را بررسی کردند. آن‌ها سلامت روانی را در دو بخش درون فردی و بین فردی مورد سنجش قرار دادند. در بخش درون فردی سرسختی روان‌شناختی و در بخش بین فردی، علاقه‌ی اجتماعی را منظور کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان دادند که خانواده‌هایی که از انسجام یا همبستگی بیش‌تر، ارتباط بهتر بین اعضای خانواده و پدر و مادر و رضایت بیش‌تر از وضعیت خانواده برخوردارند، هم‌چنین، خانواده‌هایی که در فعالیت‌های اجتماعی، مذهبی - اخلاقی، فکری - فرهنگی و نظم و سازماندهی تاکید بیش‌تری دارند، اعضایشان از میزان سرسختی بالاتری برخوردارند.

سولکاو و تومانک (Solkova & Tomanek, 1994) در پژوهش خود شیوه‌های گوناگون سخت رویی را در مقابله با فشارهای روانی در مورد نمونه‌ی ۶۳ نفری از مردان بررسی کردند. آزمودنی‌ها به مقیاس‌های سخت رویی و سازگاری پاسخ دادند. مقایسه‌ی نمره‌های ۱۰ نفر از آزمودنی‌های با بالاترین نمره در سخت رویی و ۱۰ نفر با پایین‌ترین نمره نشان داد که سخت رویی، سازگاری افراد را افزایش می‌دهد. در نتیجه، این افراد در زندگی روزانه فشار روانی کم‌تری را تحمل می‌کنند. این یافته در چند پژوهش دیگر نیز تایید و تقویت گردید.

مدی (Maddi, 1994) در پژوهشی نتیجه گرفت که افراد سخت رو به دلیل این‌که حوادث زندگی خود را کمتر فشارزا می‌بینند، سازگاری موثرتری با زندگی دارند.

مدی و هس (Maddi & Hess, 1992) نیز دریافتند، سرسختی منجر به سازگاری می‌شود و نشانه‌های بیماری را کاهش می‌دهد.

لی (Lee, 1991) رابطه‌ی بین سخت‌رویی و سازگاری روانی اجتماعی را در افراد دارای کولوستومی^۱ بررسی کرد. ۳۴ نفر از افرادی که مورد عمل جراحی قرار گرفته بودند، نمونه را تشکیل دادند. با استفاده از مقیاس سخت‌رویی مرتبط با سلامتی و مقیاس سازگاری روانی - اجتماعی با بیماری، داده‌ها گردآوری شد و نتایج زیر بدست آمد:

۱- سخت‌رویی با سازگاری روانی اجتماعی به گونه‌ی معنادار رابطه‌ی مثبت دارد.
 ۲- مهم‌ترین عوامل مربوط با سازگاری، تعهد و چالش می‌باشند. بنابراین، به احتمال زیاد، آموزش سخت‌رویی برای تقویت تعهد و چالش می‌تواند موجب افزایش سطح سازگاری روانی - اجتماعی شود.

فایلا و جونز (Filla & Jones, 1991) رابطه‌ی سخت‌رویی اعضای خانواده را با سازگاری و برخی از متغیرهای دیگر مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های آن‌ها نیز نشان دادند که رابطه‌ی معنادار بین سخت‌رویی و سازگاری والدین وجود دارد. سایر متغیرهایی که در این پژوهش با سخت‌رویی ارتباط معنادار داشتند، عبارتند از: حمایت اجتماعی، حفظ وحدت بین اعضای خانواده و رضایت از عملکرد خانواده.

پژوهش‌های دیگر رابطه‌ی یکی از مولفه‌های سخت‌رویی (کنترل، تعهد و مبارزه جویی) را با سازگاری بررسی کرده‌اند.

سنچاک و لئونارد (Senchak & Leonard, 1993) در زمینه‌ی ارتباط بین کنترل شخصی و سازگاری زناشویی، اهمیتی بسیار ویژه برای کانون کنترل افراد گزارش نمودند. آن‌ها در پژوهشی که در مورد یک نمونه‌ی ۳۱۲ نفری از زوج‌های تازه ازدواج کرده (۱۸-۲۹ سال) انجام دادند، نتیجه گرفتند که کانون کنترل عاطفه‌ی همسران، متغیر ویژه و منحصر به فرد در سازگاری زناشویی است.

ساباتیلی (Sabatelli, 1986) در پژوهشی رابطه‌ی کانون کنترل و سازگاری زناشویی را در ۴۸ زوج که حدود ۵۱-۱۱ ماه ازدواج کرده بودند، را مورد بررسی قرار داد. آزمودنی‌ها مقیاس کانون کنترل درونی بیرونی را تر و آزمون سازگاری زناشویی را پر کردند. نتایج نشان دادند که وقتی زن‌ها

¹ - Colostomy

همسر مردی بودند که کانون کنترل بیرونی داشت، شکایت بیش‌تری داشتند. مدین و جنوف (Madden & Janoff, 1981) نیز در زمینه‌ی ارتباط بین کنترل شخصی و رضایت زناشویی به این نتیجه رسیدند که کنترل شخصی با سازگاری زناشویی رابطه‌ی مثبت دارد. پژوهش‌های بالا در مجموع نشان دادند که بین کانون کنترل و سازگاری رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

یانسی (Yancey, 2007) در پژوهشی با عنوان انعطاف‌پذیری (مبارزه جویی) و سازگاری زناشویی به بررسی ارتباط سه متغیر که در ایجاد ویژگی انعطاف‌پذیری موثرند (شخصیت انطباق‌پذیر، تجارب پاداش‌دهنده و حمایت اجتماعی) با سازگاری زناشویی پرداخت. آزمودنی‌ها، ۱۴۲ زوج بودند که در مرحله‌ی نخست چرخه‌ی زندگی خانواده قرار داشته و ۲ تا ۶ سال از ازدواجشان می‌گذشت. نتایج نشان دادند که همبستگی مثبتی بین سازگاری زناشویی و متغیرهای شخصیت انطباق‌پذیر، تجارب پاداش‌دهنده و حمایت اجتماعی رابطه‌ی معنادار وجود دارد. این یافته در مجموع نشان می‌دهد که بین انعطاف‌پذیری و سازگاری زناشویی رابطه‌ی مثبت معنادار وجود دارد. دان کن (Duncan, 2008) رابطه‌ی تعهد (بخشش) و سازگاری زناشویی را در زوجین مورد بررسی قرار داد. وی به بررسی این فرضیه پرداخت که آیا تمایل فرد به بخشش تخلف و خطای همسرش در موقعیت‌های گوناگون، سازگاری زناشویی آن‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد یا نه؟ نتایج پژوهش، فرضیه‌ی پژوهش را مبنی بر این‌که سطح بالاتر صفت بخشودگی در فرد پیش‌بینی‌کننده‌ی سازگاری زناشویی بیش‌تر است را تأیید نمود.

حسن شاهی (Hasan shahi, 1999) به بررسی رابطه‌ی کانون مهار (کنترل) با سازگاری زناشویی همسران شاغل در آموزش و پرورش پرداخت. نمونه‌ی مورد مطالعه ۷۴ زوج بودند که دست‌کم یکی از آن‌ها دبیر بودند و به گونه‌ی تصادفی به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. مقیاس سازگاری زناشویی اسپانیر (Spanier, 1976) و مقیاس کانون کنترل راتر (Ratter, 1966) در مورد آن‌ها اجرا گردید. نتایج نشان دادند که:

- ۱- بین نمره‌های کانون کنترل و سازگاری زنان رابطه‌ی معنادار وجود ندارد.
 - ۲- بین کانون کنترل مردها و سازگاری زناشویی زنان رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
 - ۳- بین کانون کنترل زنان و سازگاری زناشویی مردها رابطه‌ی معنادار وجود ندارد.
- گروهی دیگر از پژوهش‌ها به بررسی رابطه‌ی ویژگی‌های شخصیتی، تحصیلات و جنسیت با سرسختی و سازگاری روان‌شناسی پرداخته‌اند. برای مثال، احدی، کاربخش، بنی‌جمالی و راد (Ahadi, Karbakhsh, Banijamali & Rad, 2008) در پژوهشی که در مورد دستیاران تخصصی پزشکی انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که سخت‌رویی با عامل جنسیت رابطه‌ی معنادار دارد و میزان سخت‌رویی در مردان بیش از زنان است، اما با رشته‌ی تحصیلی، سن و وضعیت تاهل

رابطه‌ی معنادار ندارد. در پژوهشی دیگر که عطاری، الهی فرد و هنرمند (Atari, Elahifard & Honarmand, 2006) با عنوان بررسی رابطه‌ی ویژگی‌های شخصیتی و عوامل فردی، خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان ادارت دولتی شهر اهواز انجام دادند، نتیجه گرفتند که بین عوامل خانوادگی، سطح تحصیلات و طول مدت ازدواج با رضایت زناشویی رابطه‌ی معنادار وجود دارد و در نهایت این‌که عبدالله زاده (Abdolahzadeh, 2003) در پژوهشی که بمنظور بررسی تاثیرات صفات شخصیتی بر رضایت زناشویی در مورد ۱۸۲ زوج انجام داد، به این نتیجه رسید که عوامل شخصیتی با رضایت زناشویی رابطه‌ی مثبت دارد، ولی بین طول مدت ازدواج و میزان تحصیلات با رضایت زناشویی رابطه‌ی معنادار وجود ندارد.

با وجود این‌که برخی از پژوهش‌های خارجی نشان دادند که سخت‌رویی می‌تواند در سازگاری زناشویی تاثیر داشته باشد، اما هنوز میزان ارتباط این دو متغیر به درستی تبیین نشده است. در داخل کشور نیز هنوز مسایل زیادی در مورد این دو متغیر وجود دارد. پرسش‌هایی همچون: نوع و میزان ارتباط سخت‌رویی با سازگاری زناشویی به چه صورت است؟ این پژوهش بر آن است تا با اشراف به پژوهش‌های پیشین و مسائیل حل نشده‌ای که هنوز وجود دارد "رابطه‌ی سخت‌رویی را با سازگاری زناشویی دبیران مقطع متوسطه‌ی شهر شیراز" مورد بررسی قرار دهد.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین سخت‌رویی و سازگاری زناشویی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
- ۲- بین کنترل و سازگاری زناشویی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
- ۳- بین تعهد و سازگاری زناشویی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
- ۴- بین مبارزه‌جویی و سازگاری زناشویی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
- ۵- سخت‌رویی و ابعاد آن پیش‌بینی‌کننده سازگاری زناشویی هستند.
- ۶- سن و سطح تحصیلات پیش‌بینی‌کننده‌ی سازگاری زناشویی هستند.
- ۷- سن و سطح تحصیلات پیش‌بینی‌کننده‌ی سخت‌رویی می‌باشند.
- ۸- بین میزان سازگاری زناشویی زنان و مردان تفاوت معنادار وجود دارد.
- ۹- بین میزان سخت‌رویی زنان و مردان تفاوت معنادار وجود دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل تمامی دبیران متأهل زن و مرد مقطع متوسطه‌ی شاغل در نواحی چهارگانه‌ی آموزش و پرورش شهر شیراز در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ می‌باشد. نمونه‌ی آماری این پژوهش شامل ۳۲۴ نفر (۱۷۸ مرد متأهل و ۱۴۶ زن متأهل) بود. روش نمونه‌گیری به گونه‌ی تصادفی خوشه‌ای مرحله‌ای انجام گرفت. برای انتخاب آزمودنی‌ها نخست از هر ناحیه‌ی آموزش و پرورش شهر شیراز ۸ دبیرستان (۴ دبیرستان دخترانه و ۴ دبیرستان پسرانه) و در کل ۳۲ دبیرستان به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس در هر دبیرستان به دبیران متأهل پرسشنامه‌ی ارائه شد.

ابزارهای اندازه‌گیری

مقیاس سازگاری زناشویی اسپانیر (Spannier, 1976)

این مقیاس شامل ۳۲ سوال است که برای ارزیابی کیفیت زناشویی از نظر زن و شوهر، یا هر دو نفری که با هم زندگی می‌کنند بکار می‌رود. تحلیل عاملی، نشان می‌دهد که این مقیاس ۴ بعد رابطه را می‌سنجد. این چهار بعد عبارتند از: رضایت زناشویی^۱، همبستگی زناشویی^۲، توافق زناشویی^۳ و ابراز محبت^۴. نمره‌گذاری این مقیاس از صفر تا ۱۵۱ می‌باشد. کسب نمره‌ی ۱۰۱ و بیشتر نشان‌دهنده‌ی سازگاری بیشتر و رابطه‌ی بهتر و نمره‌های پایین‌تر از آن نشان‌دهنده‌ی سازگاری کمتر است و به وسیله‌ی حسن شاهی (Hasanshahi, 1999) ترجمه شده است.

اسپانیر (Spannier, 1976) پایایی ۰/۹۶ را از روش ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس بدست آورد. در پژوهشی شارپلی و کروس (Sharply & Cross, 1982) پایایی مقیاس یاد شده را ۰/۹۶ گزارش کردند. در پژوهش دیگر که به وسیله‌ی اسپانیر و تامپسون (Spannier & Thompsonal, 1982) انجام گرفت، همسانی درونی بدست آمده با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ محاسبه شد. هم‌چنین، اسپانیر (Spannier, 1976) بمنظور بدست آوردن اعتبار سازه مقیاس سازگاری زناشویی، از مقیاس سازگاری زناشویی لاک والاس (Lock & Wallace, 1959) استفاده کرد؛ همبستگی بین این دو مقیاس در میان افراد متأهل ۰/۸۶ و در میان افراد طلاق گرفته ۰/۸۸ بود.

¹ - dyadic Satisfaction

² - dyadic Cohesion

³ - dyadic Consensus

⁴ - affectional Expression

در این پژوهش برای محاسبه‌ی پایایی پرسشنامه‌ی سازگاری زناشویی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و ضریب پایایی، ۰/۸۴ بدست آمد.

مقیاس سخت‌رویی (آزمون زمینه‌یابی دیدگاه‌های شخصی)^۱

این آزمون به وسیله‌ی کوباسا، مدی و بارتون تهیه شده است. آزمون زمینه‌یابی دیدگاه‌های شخصی پرسشنامه‌ی ای است که در سنجش سرسختی روان‌شناختی بکار می‌رود. این آزمون از ۵۰ ماده تشکیل شده است که آزمودنی باید میزان درست و یا نادرست بودن جمله‌ها را با یک مقیاس ۴ درجه‌ای از صفر تا سه مشخص کند. عدد صفر نشان دهنده‌ی این است که آن جمله اصلاً درست نیست و عدد سه نشان می‌دهد که آن جمله‌ی خاص از نظر آزمودنی کاملاً درست است. این آزمون از سه مقیاس فرعی مبارزه جویی، تعهد و کنترل تشکیل شده است که هر یک از آن‌ها ۱۷، ۱۶ و ۱۷ ماده از آزمون را به خود اختصاص داده‌اند. نمره‌های ۳۹ ماده‌ی آزمون، به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. برای هر یک از مقیاس‌های مبارزه جویی، تعهد و کنترل نمره‌ی جداگانه‌ی ارایه می‌شود و آزمون دارای کل نمره‌ی نیز هست که از میانگین غیر وزنی نمره‌های سه مقیاس نامبرده در بالا تشکیل می‌شود (Kiamarsi, Abolghasemi, 2006).

بنظر مدی (Maddi, 1990)، ۵۰ ماده‌ای که در این آزمون بکار رفته است، نسل سوم آزمون‌های سرسختی روان‌شناختی است. سه مؤلفه‌ی این آزمون از پایایی و همسانی درونی مطلوبی برخوردارند و تحلیل عوامل نشان داده است که این سه عامل به یکدیگر مرتبط هستند. اوپلتی (Oullette, 1992) بر این باور است که در حال حاضر این آزمون بهترین شیوه برای سنجش سرسختی روان‌شناختی است. این مقیاس ثبات و همسانی درونی بالایی دارد. تحلیل عوامل این آزمون، ۳ عامل مرتبط را نشان داده است که بر همگونی سازه‌ی سرسختی روان‌شناختی دلالت می‌کند. یافته‌های بدست آمده با این آزمون، مشابه یافته‌هایی است که از آزمون‌های نسل دوم مشتق شده‌اند. این مقیاس، پایایی و اعتبار بیشتری نسبت به مقیاس‌های نسل دوم دارد (مدی (Maddi, 1990)، اوپلتی (Oullette, 1992) و پارکر و رندال (Parkes & Rendal, 1988)).

در مورد روایی پرسشنامه‌ی سخت‌رویی، ناخدا (Nakhoda 1998) و یارعلی (YarAli, 2000) با استفاده از مقیاس‌های متفاوتی به اعتباریابی مقیاس سخت‌رویی مبادرت ورزیدند. ناخدا برای کل مقیاس سخت‌رویی و خرده مقیاس‌های تعهد، کنترل، مبارزه جویی به ترتیب ضرایب اعتبار ۰/۴۸، ۰/۳۵ و ۰/۳۸ را گزارش کرده است. در پژوهش یارعلی نیز برای همان متغیرها به ترتیب ضرایب اعتبار ۰/۶۰، ۰/۷۳، ۰/۵۱ و ۰/۲۷ گزارش شده است.

^۱ - Personal Views Survey

فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، سال دوم، شماره‌ی چهارم، زمستان ۱۳۹۰ ۱۷۵

در این پژوهش ضریب پایایی به روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس برابر ۰/۸۸ بدست آمد. برای خرده مقیاس‌ها نیز مقدار ضریب آلفا به ترتیب بدین صورت بدست آمد. برای خرده مقیاس کنترل ۰/۷۰ خرده مقیاس تعهد ۰/۷۳ و خرده مقیاس مبارزه جویی ۰/۶۸ بدست آمد. بنابراین، پایایی پرسشنامه مورد تایید قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی این پژوهش در جدول‌های ۱ و ۲ نشان داده شده‌اند.

جدول ۱- توزیع فراوانی و درصد افراد مورد مطالعه بر حسب وضعیت تحصیلی

وضعیت تحصیلی	مردان		زنان	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کاردانی	۲۲	۱۲/۴	۱۴	۹/۶
کارشناسی	۱۱۸	۶۶/۳	۱۱۸	۸۰/۸
کارشناسی ارشد	۳۸	۲۱/۳	۱۴	۹/۶
کل	۱۷۸	۱۰۰/۰	۱۴۶	۱۰۰/۰

همان گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود از مجموع ۱۷۸ آزمودنی مرد، بیش‌ترین درصد فراوانی مدرک تحصیلی مربوط به کارشناسی و کمترین آن مربوط به کاردانی به ترتیب ۶۶/۳ درصد و ۱۲/۴ درصد می‌باشد. هم‌چنین، از مجموع ۱۴۶ آزمودنی زن بیش‌ترین درصد فراوانی، کارشناسی و کم‌ترین درصد فراوانی کاردانی و کارشناسی ارشد به ترتیب ۸۰/۸ درصد، ۹/۶ درصد می‌باشد.

جدول ۲- توصیف نمونه‌ی آماری بر حسب سن به تفکیک جنسیت

جنس	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
مرد	۱۷۸	۴۱/۰۲	۷/۱۸
زن	۱۴۶	۳۸/۹۰	۴/۹۸
کل	۳۲۴	۴۰/۰۸	۶/۳۷

همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، میانگین سن آزمودنی‌ها ۴۰/۰۸ سال (انحراف معیار، ۶/۳۷)، میانگین سنی مردان ۴۱/۰۲ سال (انحراف معیار، ۷/۱۸) و میانگین سنی زنان ۳۸/۹۰ سال (انحراف معیار، ۴/۹۸) بود.

جدول ۳- ماتریس همبستگی سرسختی روان‌شناختی و ابعاد آن با سازگاری زناشویی

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
۱- سرسختی روان‌شناختی	۱				
۲- احساس کنترل فردی	$0/64^{**}$	۱			
۳- احساس تعهد	$0/65^{**}$	$0/75^{**}$	۱		
۴- مبارزه‌جویی	$0/59^{**}$	$0/64^{**}$	$0/65^{**}$	۱	
۵- سازگاری زناشویی	$0/42^{**}$	$0/19^{**}$	$0/25^{**}$	$0/25^{**}$	۱

جهت تحلیل فرضیه‌های ۱، ۲، ۳، ۴ از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. همان گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، همبستگی سخت‌رویی روان‌شناختی با سازگاری زناشویی $r = 0/42$ ، همبستگی کنترل با سازگاری زناشویی $r = 0/19$ ، همبستگی تعهد با سازگاری زناشویی $r = 0/25$ ، همبستگی مبارزه‌جویی با سازگاری زناشویی $r = 0/25$ می‌باشد.

جدول ۴- رگرسیون سازگاری زناشویی بر متغیر مستقل سرسختی روان‌شناختی.

متغیر مستقل	β	t	P
سرسختی روان‌شناختی	$0/42$	$7/50$	$0/001$
R	$0/42$		
R^2	$0/18$		
R^2 تعدیل شده	$0/18$		
خطای معیار	$17/58$		
F	$56/38$		

بمنظور بررسی قدرت سرسختی روان‌شناختی در پیش‌بینی سازگاری زناشویی از روش رگرسیون چندگانه استفاده شد. بر اساس جدول ۴ سرسختی روان‌شناختی با ضریب بتای معادل $0/42$ سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کرده است. بر اساس جدول بالا می‌توان 18 درصد واریانس متغیر رضایت زناشویی را از راه سرسختی روان‌شناختی تبیین کرد.

جدول ۵- رگرسیون سازگاری زناشویی بر متغیرهای مستقل ابعاد سرسختی روان‌شناختی

متغیر مستقل	β	t	P
احساس کنترل	۰/۱۰	۰/۵۹	NS
احساس تعهد	۰/۲۸	۴/۲۰	۰/۰۱
مبارزه‌جویی	۰/۲۹	۳/۹۶	۰/۰۲
R	۰/۳۸		
R ²	۰/۱۵		
R ² تعدیل شده	۰/۱۴		
خطای معیار	۱۸/۷۳		
F	۱۸/۰۹		

بمنظور بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی ابعاد سرسختی روان‌شناختی در پیش‌بینی سازگاری زناشویی از روش رگرسیون چندگانه استفاده شد. بر اساس جدول ۵ مبارزه‌جویی با ضریب بتای معادل ۰/۲۹ در درجه‌ی نخست اهمیت از نظر پیش‌بینی سازگاری زناشویی قرار دارد و پس از آن، احساس تعهد با ضریب بتای معادل ۰/۲۸ قرار دارد. بر اساس جدول بالا می‌توان ۱۴ درصد واریانس متغیر سازگاری زناشویی را از راه مبارزه‌جویی و احساس تعهد تبیین کرد.

جدول ۶- رگرسیون سازگاری زناشویی بر متغیرهای مستقل سن و تحصیلات

متغیر مستقل	β	t	P
سن	-۰/۱۵	-۲/۱۲	۰/۰۳
تحصیلات	۰/۰۶	۰/۹۶	NS
R	۰/۱۳		
R ²	۰/۰۱		
R ² تعدیل شده	۰/۰۰۹		
خطای معیار	۱۸/۸۱		
F	۲/۲۶		

بمنظور بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی سن و تحصیلات در پیش‌بینی سازگاری زناشویی از روش رگرسیون چندگانه استفاده شد. بر اساس جدول ۶- متغیر سن با ضریب بتای معادل -۰/۱۵- توانسته است سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تحصیلات سهمی در پیش‌بینی سازگاری زناشویی

ایفا نکرده است. بر اساس جدول بالا می‌توان ۱ درصد واریانس متغیر سازگاری زناشویی را از راه سن تبیین کرد.

جدول ۷- رگرسیون سرسختی روان‌شناختی بر متغیرهای مستقل سن و سطح تحصیلات

متغیر مستقل	β	t	P
سن	-۰/۰۸	-۱/۲۷	NS
تحصیلات	-۰/۰۵	۰/۷۵	NS
R	۰/۱۲		
R ²	۰/۰۱		
R ² تعدیل شده	۰/۰۰۸		
خطای معیار	۲۳/۷۰		
F	۲/۰۱		

بمنظور بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی سن و تحصیلات در پیش‌بینی سخت‌رویی روان‌شناختی از روش رگرسیون چندگانه استفاده شد. بر اساس جدول ۷ هیچ‌کدام از متغیرهای مستقل سن و تحصیلات نقشی در پیش‌بینی سرسختی روان‌شناختی ایفا نکرده‌اند.

جدول ۸- مقایسه‌ی میانگین نمره‌های مردان و زنان در سازگاری زناشویی

مقیاس	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار تی	P
سازگاری زناشویی	مرد	۱۷۸	۹۵/۱۶	۱۴/۵۷	۴/۷۶	۰/۰۰۰۱
	زن	۱۴۶	۱۰۲/۴۹	۱۲/۵۶		

همان‌گونه که در جدول ۸ ملاحظه می‌شود، بین دو جنس تفاوتی معنی‌دار در سازگاری زناشویی وجود دارد. نمره‌های زنان به گونه‌ای معنی‌دار بیش‌تر از نمره‌ی مردان است (t = ۴/۷۶ P < /۰۰۰۱). به این معنی که زنان در روابط زناشویی خود سازگاری، توافق و همبستگی بیش‌تری را گزارش کرده‌اند.

جدول ۹- مقایسه‌ی میانگین نمره‌های مردان و زنان در سرسختی روان‌شناختی و ابعاد آن

مقیاس	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار تی	P
سرسختی روان-شناختی	مرد	۱۷۸	۷۷/۷۷	۱۱/۷۷	۷/۱۲	۰/۰۰۰۱
	زن	۱۴۶	۸۸/۰۱	۱۳/۵۴		
احساس کنترل فردی	مرد	۱۷۸	۲۴/۸۶	۴/۴۳	۷/۸۶	۰/۰۰۰۱
	زن	۱۴۶	۳۰/۹۱	۸/۳۴		
احساس تعهد	مرد	۱۷۸	۲۳/۱۲	۴/۷۲	۵/۸۴	۰/۰۰۰۱
	زن	۱۴۶	۲۸/۱۳	۹/۳۶		
مبارزه‌جویی	مرد	۱۷۸	۲۹/۳۱	۴/۸۹	۵/۷۲	۰/۰۰۰۱
	زن	۱۴۶	۳۲/۸۵	۶/۰۸		

با استفاده از آزمون تی برای گروه‌های مستقل، میانگین نمره‌های مردان و زنان در سرسختی روان‌شناختی و ابعاد آن مورد مقایسه قرار گرفت. همان گونه که ملاحظه می‌شود، میان مردان و زنان در سرسختی روان‌شناختی، در سطح ۰/۰۰۰۱ تفاوتی معنا دار مشاهده شده است. بر این اساس، زنان سخت‌رویی روان‌شناختی بیش‌تری نسبت به مردان گزارش کرده‌اند. در زیر مقیاس‌های احساس کنترل، احساس تعهد و مبارزه‌جویی نیز تفاوتی معنا دار در سطح ۰/۰۰۰۱ میان مردان و زنان مشاهده شده است و در این عامل‌ها نیز زنان نمره‌های بیش‌تری نسبت به مردان گزارش کرده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان دادند که بین سخت‌رویی و سازگاری زناشویی رابطه‌ای معنی دار وجود دارد و این یافته با یافته‌های پژوهشگران دیگر از جمله فایلا و جونز (Filla & Jones, 1991)، امریکر و همکاران (Amerikaner & etal, 1994) و یوگن و همکاران (Ugen, 2000) همخوانی دارد. این پژوهش همسو با پژوهش‌های نام برده شده بر این امر تاکید دارد که در خانواده‌هایی که زن و مرد از سخت‌رویی بالاتری برخوردارند، میزان سازگاری زناشویی نیز بیش‌تر و بالاتر است. افزون بر پژوهش‌های همسوی ذکر شده، یک سری از پژوهش‌های دیگر نیز وجود دارند که وجود رابطه‌ی معنا دار بین دو متغیر مورد نظر ما را تایید کرده‌اند. گرچه این پژوهش‌ها در بین زوجین صورت نگرفته است، اما می‌توان از آن‌ها به عنوان یافته‌های همسو یاد کرد. پژوهش‌های مدی و هس (1992)، سولکاو و تومانک (Solkava & Tomanek, 1994)، ماتیس و لکسی (Mathis & Lecci, 1999) و لی (Lee, 1991) از این دسته‌اند. همان‌گونه که تعریف سازگاری لیدرر

(Lederer, 1999) نشان می‌دهد، تطابق با محیط از راه تاثیر گذاری و تغییر محیط مشخصه اصلی سازگاری است. پژوهشگران دیگر ویژگی اصلی سازگاری را توانایی جهت اصلاح و یا حل مشکل دانسته‌اند (گاتمن (Gatman, 1998)، ویس و هیمن (Viss & Himen, 1997) و (Quated by Razmi, 2007) و چندین عامل را در بروز سازگاری موثر دانسته‌اند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها عوامل شخصیتی است (Shokr kon, 2006). از سوی دیگر، می‌دانیم که سرسختی خود یک ویژگی شخصیتی است (Kobassa, 1979). با وجود این ارتباط مفهومی و نظری می‌توان وجود ارتباط معنادار بین سخت‌رویی و سازگاری را درک و تبیین کرد. شاید بتوان این گونه استنباط کرد که سرسختی روان‌شناختی (سخت‌رویی) سازه‌ای شخصیتی است که باعث می‌شود نه تنها افراد بیش‌تر موقعیت‌های پیش روی خود را تهدید کننده و کنترل ناپذیر نبینند بلکه حتی در مواقعی که باید به فعالیت‌هایی دست بزنند که نسبت به آن رغبت ندارند، با استفاده از راهبردهایی آن فعالیت را به یک کار جالب و مثبت و فرصتی برای رشد و بالندگی تبدیل می‌کنند و از این راه می‌توانند شرایط را متناسب با ویژگی‌های خود سازگار نمایند. بدست آمدن رابطه‌ی مثبت معنادار در این پژوهش از دو جهت دارای اهمیت است. نخست این‌که هیچ پژوهشگری یافته‌ای خلاف یافته‌ی این پژوهش گزارش نکرده است. وقتی پژوهش‌های متعددی نتایج تقریباً مشابهی را گزارش می‌کنند، امکان ارایه‌ی یک نظریه‌ی اساسی بیش‌تر فراهم می‌شود. دوم این‌که چون تاکنون هیچ پژوهش داخلی رابطه‌ی دو متغیر فوق را در زوجین (زن و شوهر) بررسی نکرده است، بنابراین، در کنار پژوهش‌های خارجی، وجود رابطه‌ی معنادار بین دو سازه‌ی یاد شده در فرهنگ و جامعه‌ی ما نیز تائید می‌شود. البته، چون این پژوهش در مورد گروه ویژه‌ای از افراد جامعه (دبیران) اجرا شده است، برای بیان چنین نتیجه‌گیری به انجام پژوهش‌های بیش‌تری نیاز است.

همان‌گونه که نتایج نشان دادند، کنترل با سازگاری زناشویی رابطه‌ای معنی دار دارد. وجود رابطه‌ی مثبت معنادار بین دو متغیر بالا بیانگر این مطلب است که با افزایش کنترل درونی سازگاری زناشویی نیز افزایش می‌یابد. این یافته با یافته‌های پژوهشگران دیگر از جمله مدین و جنوف (Madden & Janoff, 1981)، ساباتیلی (Sabatelli, 1986)، سنجاک و لئونارد (Senchac & Leonard, 1993) و حسن شاهی (Hasan shahi, 1997) همخوانی دارد. از میان پژوهش‌های ذکر شده، یافته‌ی حسن شاهی از دو جهت برای این پژوهش مهم‌تر بنظر می‌رسد. نخست این‌که یک پژوهش داخلی است و دوم این‌که در مورد شاغلان آموزش و پرورش انجام شده است. با توجه به این ویژگی‌های مشترک و دست‌یابی به نتایج مشابه می‌توان با قاطعیت بیش‌تری از وجود رابطه‌ی معنادار بین کنترل با سازگاری زناشویی در دبیران جامعه خودمان صحبت کرد. کنترل نوعی گرایش و عمل کردن است که گویی فرد در هنگام رویارویی با وقایع احتمالی گوناگون زندگی،

فردی تاثیر گذار است نه درمانده (Sheykh Mohseni, 2005). در واقع، احساس کنترل منتهی به اعمالی می‌شود که هدفشان تغییر وقایع به چیزی است که با نقشه‌های در حال اجرای زندگی بر اساس داشته و مغایرت کم‌تری با آن‌ها دارد. بنابراین، همسرانی که کنترلشان از نوع درونی است، خودشان را مسئول موفقیت‌ها و شکست‌های زندگی می‌دانند و قدرت کنترل بیش‌تری بر وقایع زندگیشان دارند و در هنگام رویارویی با نیروهای بیرونی احساس ناتوانی نمی‌کنند و اقدام‌هایی انجام می‌دهند که هدف آن‌ها تبدیل رویدادهای استرس‌زا به شرایطی است که با برنامه‌ی جاری زندگی‌شان هماهنگ باشد. چنین افرادی رویدادهای زندگی را قابل پیش‌بینی و کنترل پذیر می‌دانند و بر این باورند که قادرند با تلاش، آنچه را که در اطرافشان رخ می‌دهد را تحت تأثیر قرار دهند. آن‌ها برای حل مشکلات، به مسئولیت خود بیش از اعمال و یا اشتباهات دیگران تأکید می‌کنند، سعی و تلاش در زندگی را از وظایف مهم خود می‌دانند و از زندگی‌شان احساس رضایت می‌کنند؛ در نتیجه، سازگاری زناشویی بین آن‌ها افزایش می‌یابد.

یافته‌ها نشان می‌دهند که تعهد با سازگاری زناشویی رابطه‌ی مثبت و معنادار دارد. وجود رابطه‌ی مثبت معنادار بین دو متغیر بالا بیانگر این مطلب است که با افزایش تعهد، سازگاری زناشویی نیز افزایش می‌یابد. به این معنی که با افزایش تعهد یا داشتن هدف و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و ارتباط با دیگران سازگاری زناشویی افزایش می‌یابد. این یافته با یافته‌ی دان کن (Duncan, 2008) همخوانی دارد. بهترین روش برای تبیین این یافته این است که به برخی از ویژگی‌های افراد دارای تعهد نگاهی دوباره داشته باشیم. داشتن هدف و مشارکت در رخدادهای فعالیت‌ها و ارتباط برقرار کردن با مردم یکی از این ویژگی‌هاست. برای نمونه، افراد متعهد منتظر آند تا برنامه‌های روزمره را آغاز کنند و از ارتباط با مردم لذت ببرند تا از این راه توانایی سازگاری خود را افزایش دهند. از سوی دیگر، افرادی که از تعهد بالایی برخوردارند، توانایی احساس عمیق درآمیختگی و یا تعهد نسبت به فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند، دارند و از این راه به اهمیت، ارزش و معنای این که چه کسی هستند و چه فعالیت‌هایی انجام می‌دهند، باور دارند و بر همین مبنا قادرند در مورد هرآنچه که انجام می‌دهند، معنایی بیابند و کنجکاوی خود را برانگیزند. چنین افرادی با بسیاری از جنبه‌های زندگی‌شان همچون: شغل، خانواده و روابط بین فردی کاملاً درآمیخته‌اند و مانع از احساس تنهایی و از خودبیگانگی می‌شوند. این افراد دارای چنان روابطی با دیگران هستند که به عنوان منبعی برای سازگاری، به آن‌ها کمک می‌کند. از سوی دیگر، می‌توان برای توضیح بیش‌تر این یافته بنظر فینکل و همکارانش (Finkel & etal, 2002) اشاره کرد. بر اساس نظر این پژوهشگران، از ویژگی‌های مهم افراد دارای تعهد این است که در مورد همسر خود عفو و بخشش می‌کنند. بنابراین، سطح پایین تعهد و بخشش به عنوان شاخصی مفید برای سنجش سطح

اختلافات و ناسازگاری زناشویی است زیرا عفو و بخشش منجر به کاهش رفتارهای پرخاشگرانه‌ی کلامی نسبت به یکدیگر می‌شود. این عامل یکی از مهم‌ترین عواملی است که در سازگاری و رضایت زناشویی نقش دارد (Quated by Taleshi, 2009). بررسی‌های تجربی نیز این نظر را تایید می‌کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهند که در بین زوجین دارای اختلاف، ۶۰ تا ۷۰ درصد زوجین دارای اختلاف، پرخاشگری جسمانی را تجربه کرده‌اند. پژوهشگران نقش پرخاشگری را در ایجاد ناراضی‌ت زناشویی مهم می‌دانند (Quated by Razmi 2007؛ Kaskardi, Richsen & Viuven 1992).

یافته‌ها نشان می‌دهند که مبارزه جویی (انعطاف‌پذیری) با سازگاری زناشویی رابطه‌ی مثبت و معنادار دارد. نتیجه‌ی بدست آمده از آزمون این فرضیه با یافته‌های پژوهش‌های یانسی (Yancey, 2007) و والش (Walsh, 1996) همخوانی دارد. به این معنی که با افزایش مبارزه جویی و انعطاف‌پذیری در برابر مشکلات و تلقی تغییرات به عنوان موقعیت‌هایی برای پیشرفت، سازگاری زناشویی نیز افزایش می‌یابد. وجود رابطه‌ی معنادار بین مولفه‌ی مبارزه جویی و سازگاری زناشویی از این جهت قابل توضیح و تبیین است که می‌توان مبارزه جویی را فصل مشترک دو مفهوم سخت‌رویی و سازگاری دانست. در واقع، اگر بخواهیم به یک مفهوم مشترک بین سخت‌رویی و سازگاری اشاره کنیم، بهتر است نخست به مبارزه جویی (انعطاف‌پذیری) اشاره شود زیرا افرادی که سازگاری روان‌شناختی دارند، توانایی اصلاح و انعطاف‌پذیری بیش‌تری دارند (Wiss & Guatman, 1998). از سوی دیگر، معلوم شده است که یکی از ویژگی‌های اصلی افراد انعطاف‌پذیر، انطباق‌پذیری است یانسی (Yancey, 2007). با وجود ویژگی انطباق‌پذیری، افراد می‌توانند خود را با شرایط سازگار کنند و سازگاری با شرایط یکی از مولفه‌های سخت‌رویی است. والش (Walsh, 1996) که در پژوهش خود تأثیر مقدار انعطاف‌پذیری افراد را برای کنار آمدن با بحران‌ها و مشکلات خانوادگی بررسی کرده است، بر این باور است که انعطاف‌پذیری فرآیندی تعاملی است که نقشی مهم در شناخت، تقویت و مقابله با بحران‌ها و مقاومت در برابر انواع فشارهای روانی دارد. همچنان که زندگی زناشویی پیش می‌رود، تغییراتی در زندگی آنان بوجود می‌آید و خانواده با یک مراحل تحولی روبه‌رو می‌شود که در این مرحله حفظ ثبات مستلزم پذیرش تغییر است و تغییر یاد شده نتیجه‌ی آخرین فرآیندی است که از راه انعطاف‌پذیری و مبارزه جویی و کنار آمدن با مشکلات بوجود می‌آید و زن و شوهر به سطح مطلوبی از سازگاری زناشویی می‌رسند.

یافته‌ها نشان می‌دهند که می‌توان از روی سرسختی و ابعاد آن سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کرد. با توجه به نتایج چهار فرضیه‌ی پیشین مبنی بر وجود رابطه‌ی معنادار بین سرسختی و ابعاد آن با سازگاری زناشویی، تایید فرضیه‌ی پنجم مبنی بر پیش‌بینی سازگاری زناشویی از راه سخت

رویی قابل توجهیه و پذیرفتنی است. یافته کنونی افزون بر این که به گونه‌ی کامل به وسیله‌ی مبانی نظری ارایه شده به وسیله‌ی پژوهشگران و بویژه کوباسا تایید می‌گردد، به وسیله‌ی بسیاری از پژوهش‌های تجربی نیز تایید می‌شود. شواهد متعددی وجود دارند که نشان می‌دهند سخت رویی می‌تواند یک اندازه‌ی قابل پیش بینی از سازگاری باشد. برای مثال، مدی و هس (Maddi & Hess, 1992) در پژوهش خود دریافتند که سخت رویی منجر به سازگاری می‌شود و یا به بیان دیگر، از روی سرسختی روان‌شناختی امکان پیش بینی سازگاری زناشوی افراد وجود دارد زیرا افراد سرسخت حوادث زندگی را کم‌تر فشارزا می‌بینند؛ بنابراین، می‌توانند سازگاری موثرتری با زندگی داشته باشند. در میان مولفه‌ها مبارزه جویی در درجه‌ی نخست اهمیت قرار دارد. همان گونه که در فرضیه‌ی چهارم اشاره شد، مبارزه جویی فصل مشترک بین سخت‌رویی و سازگاری زناشویی می‌باشد زیرا افرادی که سازگاری دارند، توانایی انعطاف‌پذیری بیش‌تری دارند. یافته‌ی کنونی به گونه‌ای مهم‌ترین یافته برای پژوهش حاضر بشمار می‌رود و اهمیت سخت رویی را به عنوان یک ویژگی مثبت در زندگی زناشویی زوجین و افزایش سازگاری بین آن‌ها نشان می‌دهد. یافته‌ی کنونی هم‌چنین، از این نظر برای مشاوران اهمیت زیادی دارد که نشان می‌دهد، مشاوران می‌توانند در ارایه‌ی خدمات مشاوره‌ای خود به زوجین با تاکید بر سخت رویی، افزون بر حل تعارضات بین آن‌ها به افزایش سازگاری زناشویی کمک کنند.

یافته‌ها نشان می‌دهند که می‌توان با توجه به سن پاسخگویان سازگاری زناشویی را پیش بینی کرد، اما از روی سطح تحصیلات پاسخگویان نمی‌توان به گونه‌ای معنادار سازگاری زناشویی را پیش بینی نمود. پژوهش‌های پیشین در زمینه‌ی یافته‌ی کنونی نتایج متفاوتی را بدست آورده اند. در مورد سن، السون (Olson, 2004) و عطاری، الهی فرد و هنرمند (Atari, Elahifard & Honarmand, 2006) همسو با پژوهش کنونی به این نتیجه رسیدند که سازگاری زناشویی زنان و مردان در اواخر زندگی زناشویی کاهش می‌یابد و در پژوهشی ناهمسو، دان کن (Duncan, 2008) نتیجه گرفت که افراد مسن‌تر تمایلی بیش‌تر به سازگاری دارند. تاثیر گذاری سن بر سازگاری زناشویی را می‌توان از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار داد. نخستین مورد به ویژگی‌های روانی و فیزیولوژیک مربوط است که با گذشت زمان و تغییراتی که در آن‌ها ایجاد می‌شود، می‌تواند بر سازگاری زناشویی تاثیرگذار باشد. دوم این که با افزایش طول مدت ازدواج، معمولاً تعداد افراد خانواده بیش‌تر می‌شود و این مطلب می‌تواند بر سازگاری زناشویی اثر منفی بگذارد. میلر (Miller, 1976) دریافت که ارتباط بین تعداد فرزندان و رضایت زناشویی رابطه‌ی عکس وجود دارد. برخی مطالعات دیگر نیز نشان داده اند که افزایش اندازه‌ی خانواده ممکن است مدت زمان یا فرصتهایی را که همسران با هم دارند، کاهش بدهد و این امر می‌تواند بر سازگاری زناشویی تاثیر بگذارد (Sheykh

Mohseni, 2005). افزون بر این، با افزایش شمار فرزندان، زوجین با مشکلات زیادی از جمله مشکلات اقتصادی، تربیت آن‌ها و... روبه‌رو می‌شوند که این مشکلات نیز می‌تواند دلیل دیگری برای کاهش سازگاری زناشویی با افزایش سن باشد. این یافته نشان می‌دهد که ناسازگاری زناشویی فرآیندی است که در طول زندگی زوجین بوجود می‌آید. به گونه‌ی معمول، اگر روند و مسیر زندگی زن و مرد همراه با سازگاری نباشد و انتظار هر یک از آن‌ها از زندگی زناشویی برآورده نشود، طبیعی است که به مرور زمان بر مقدار ناسازگاری افزوده می‌شود و اگر به گونه‌ی مناسب مهارت‌های ارتباط و حل تعارض را کسب نکنند، تعارضات زیاد می‌شود. با توجه به یافته‌ی کنونی، بنظر می‌رسد که سبک‌های مواجه شدن زوجین با مشکلات در طول زندگی یکسان می‌ماند به جز در مواردی که با مداخله‌های مشاوره‌ای تغییراتی در آن ایجاد شود، اما در مورد عدم تاثیرگذاری سطح تحصیلات پاسخگویان بر میزان سازگاری زناشویی باید به نزدیک بودن سطح تحصیلات پاسخگویان اشاره کرد. تمام افراد نمونه دارای تحصیلات دانشگاهی بوده و به همین دلیل، پراکندگی سطح تحصیلات در نمونه از گستردگی زیادی برخوردار نبوده و تفاوتی معنادار در سازگاری زناشویی آن‌ها دیده نشده است.

یافته‌ها نشان می‌دهند که سن و سطح تحصیلات نمی‌توانند سرسختی روان‌شناختی پاسخگویان را پیش بینی کنند، یافته‌ی حاضر همسو با یافته‌ی احدی، کاربخش، بنی جمالی و راد (Ahadi & Karbakhsh & Banijamali & Rad, 2009) بیانگر این نکته است که گذشت زمان و یا افزایش سطح تحصیلات دانشگاهی نمی‌تواند تفاوتی معنادار در میزان سخت رویی نمونه‌ی مورد پژوهش بگذارد. از نظر لامبرت سخت رویی یک ویژگی اکتسابی است نه ذاتی (Lambert, 2007) که از تجربیات مفید و متفاوت دوران کودکی نشأت می‌گیرد و بتدریج به عنوان یک ویژگی کلی، خود را در رفتارها و احساسات فرد ظاهر می‌کند. بنابراین، سخت رویی به عنوان یک مهارت و یک ویژگی مثبت همچون بسیاری از مهارت‌های دیگر نیازمند آموزش و یادگیری است و آگاهی از مبانی نظری و تجربی در مورد آن پیش نیاز یادگیری و کاربرد آن است و نباید انتظار داشت کسب این مهارت به خودی خود و یا در طول زمان بر اثر افزایش سن و یا صرفاً در اثر افزایش سطح تحصیلات بدست آید و یا تغییر قابل توجهی در آن رخ دهد. البته، در مورد نقش نداشتن افزایش سطح تحصیلات در میزان سخت رویی، افزون بر تبیین مربوط به سن، می‌توان همانند فرضیه‌ی ششم به نزدیک بودن سطح تحصیلات پاسخگویان اشاره کرد.

یافته‌ها نشان می‌دهند که بین زنان و مردان تفاوتی معنادار در سازگاری زناشویی وجود دارد و نمره‌های زنان به گونه‌ای معنادار بیش‌تر از مردان است. پژوهش‌های پیشین در مورد این یافته نتایج مخالفی ارائه داده اند. در حالی که طالش‌ی (Taleshi, 2009) نبود تفاوت معنادار بین سازگاری

زناشویی زن و مرد را گزارش کرده است، السون (Olson, 2004) مخالف با پژوهش کنونی سازگاری زناشویی مردان را بیش از زنان اعلام کرده است. وقتی در پژوهش با چنین نتایج متفاوتی روبه‌رو می‌شویم، ارایه‌ی نظری اساسی با مشکل مواجه می‌شود. در مورد تفاوت نتیجه‌ی کار السون با این پژوهش می‌توان عامل فرهنگی را دخیل دانست، یعنی با وجود این‌که در برخی کشورها سازگاری زناشویی مردان بیش‌تر است السون (Olson, 2004)، در کشور ما به احتمال زیاد، چنین نیست و سازگاری زناشویی زنان و مردان یا تفاوت معناداری با هم ندارند تالش‌ی (Taleshi, 2009) و یا این‌که در زنان بیش‌تر از مردان است (این پژوهش). بسیاری از نظریه‌های مطرح شده در مورد سازگاری زناشویی و جنسیت موافق با یافته پژوهش کنونی هستند. از نظر لوینسون (Louinson, 1993) می‌توان گفت که زنان بیش‌تر از شوهرانشان روابط بین فردی را دوست دارند پس احتمال بیش‌تری وجود دارد که آنان برای رفع ناسازگاری پیش‌قدم شوند و یا در پی بهره‌گیری از منابع خارج از خانواده و متخصصین باشند (Quated by Sheykh Mohseni, 2005). با توسعه‌ی دایره‌ی واژه‌ها در زنان از احساساتشان، آنان می‌توانند احساس‌های خود را به صورت مشخص و واضح شناسایی و نامگذاری کنند؛ در نتیجه، راحت‌تر ارتباط برقرار می‌کنند. پذیرش آسیب‌پذیری و ابراز احساس به وسیله‌ی زنان می‌تواند به حل اختلافات و هم‌چنین، سازگاری زناشویی کمک کند. عامل دیگری که باعث سازگاری زناشویی در زنان می‌شود، همدلی همراه با احترام است که در فرهنگ ما این احترام در خانم‌ها نسبت به همسرانشان بیش‌تر است و در این همدلی، زن ذهن خود را از تمام مسایل و مشکلات ایجاد شده خالی می‌کند، با تمام وجود به طرف مقابل گوش می‌دهد، احساسات طرف مقابل را تأیید می‌کند و رفتار وی را زیر سؤال نمی‌برد که این خود باعث سازگاری بیش‌تر می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهند بین زنان و مردان در سخت‌روی تفاوتی معنادار وجود دارد و زنان در مقایسه با مردان از سخت‌روی بیش‌تری برخوردارند. پژوهش‌های پیشین در زمینه‌ی مقایسه‌ی سخت‌روی در دو جنس، عموماً سخت‌روی مردان را بیش‌تر گزارش کرده‌اند. برای مثال، احدی، کاربخش، بنی‌جمالی و راد (Ahadi & Karbakhsh & Banijamali & Rad, 2009) بر خلاف این پژوهش، سرسختی مردان را بیش‌تر از زنان گزارش کرده‌اند. در چنین مواردی که یافته‌های متفاوتی در مورد دو جنس در دسترس است، بناچار باید گفت که به احتمال زیاد، به گونه‌ی ذاتی دو جنس در مقدار سرسختی تفاوتی معنادار ندارند. در تأیید این نظر چنان‌که پیش‌تر از این گفته شد، برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سخت‌روی کم و بیش‌صفتی اکتسابی است که در برخی از شرایط و یا آموزش‌ها به تدریج در افراد شکل می‌گیرد که یکی از این شرایط، اشتغال است. مردان عموماً شاغل هستند و در بیش‌تر پژوهش‌های مقایسه‌ای، مردان شاغل با زنان خود و یا دیگر زنانی که غیر شاغل هستند، مقایسه می‌شوند و معمولاً در چنین پژوهش‌هایی سرسختی زنان کم‌تر از مردان

بدست می‌آید، اما پژوهش‌ها نشان داده است که زنان شاغل از نظر برخی از ویژگی‌های شخصیتی با زنان خانه دار دارای تفاوتی معنادارند و این تفاوت‌ها حتی پیش از شاغل شدن نیز وجود دارد. برای مثال، زنان شاغل بیش از زنان خانه دار احساس توانایی و تاثیرگذاری (که مفهومی از سرسختی است) دارند. شاید همین احساس‌شان یکی از دلایلی است که آن‌ها را به سوی بازار کار می‌کشاند. از سوی دیگر، اشتغال نیز بر میزان سرسختی آن‌ها می‌افزاید. زنان شاغل دارای نقش‌های متفاوت و چندگانه ای هستند. از یک سو کار بیرون از خانه و از سوی دیگر، کار درون خانه و تربیت فرزندان و... کنار آمدن با این تعدد نقش‌ها نیازمند کنترل بر خویشتن و مبارزه جویی (از مولفه های سرسختی) است. به همین دلیل است که وقتی زنان با رویدادهای تنش زا مواجه می‌شوند، بتدریج روش‌های مقابله‌ای با آن‌ها را می‌آموزند. از سوی دیگر، وقتی زنی شاغل می‌شود، بیش از مردان احساس عمیق درآمیختگی (تعهد، از مولفه‌های سرسختی) نسبت به فعالیت‌هایی که انجام می‌دهد، دارد. این عوامل همگی دست به دست هم می‌دهند تا این نتیجه بدست آید که اشتغال موجب افزایش سرسختی در زنان می‌شود. این امر بویژه در زنانی که بار اصلی اقتصادی و مسئولیت اصلی خانواده بر دوش آن‌هاست، نمود بیش‌تری دارد. البته، عوامل دیگری نیز در افزایش سخت‌رویی زنان موثرند. برای مثال، دستیابی به درآمدی مستقل می‌تواند روحیه‌ی استقلال طلبی، فردگرایی و در نهایت، سخت‌رویی را در زنان تقویت کند. از سوی دیگر، امروزه زنان با مشارکت در امور سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود را باور دارند که نتیجه‌ی مثبت این خودباوری باعث می‌شود که زنان احساس کنند رویدادهای زندگی تحت کنترل خودشان است و برای دستیابی به موفقیت در زندگی بیش‌تر بکوشند که پیامد چنین کوششی افزایش سخت‌رویی است.

با توجه به این‌که در زمینه‌ی ارتباط سخت‌رویی با سازگاری زناشویی در ایران پژوهشی انجام نگرفته است، به پژوهشگران بعدی پیشنهاد می‌شود که این موضوع را در مورد همسران دیگر با ویژگی خود بررسی کنند مثلاً در مورد همسرانی که در معرض جدایی قرار گرفته‌اند، زوج‌های تازه ازدواج کرده و مواردی این چنین.

با توجه به این‌که این پژوهش در شیراز انجام شده است و چنانچه می‌دانیم، زمینه‌ی فرهنگی و اجتماعی مؤثر است، لذا، پیشنهاد می‌شود که در سایر شهرستان‌ها و جوامع دیگر نیز این موضوع مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد.

References

- 1- Abdollah Zadeh. H. (2003). consideration of effects of personal qualities on married satisfaction of couple in Damghan. psychological M.A thesis. Tabriz University [Persian]
- 2- Ahmadi, Kh., Fathi Ashtiani, A., Navabinejad, Sh. (2005). " consideration of factors of background- personal & effective bilateral connection on married compatibility", research seasonal magazine. No. 3 [Persian]
- 3- Ahadi. M. & Karbakhsh. M. & Banijamali. Sh. & Rad (2009). Consideration of rate of hard faced in medical assistants. Psychological studies period 4. No.4 [Persian]
- 4- Amerikaner, M. Monks, G, Wolfe, P. & Thomas, S. (1994). family intrction and individual psychological health. Journal of counseling and Development. 72(6), 614623.
- 5- Atari.Y. & elahi fard. A. & Honarmand. M. (2006). Consideration of relation of personal qualities & personal – familial factors with married satisfaction in the employees of Ahvaz. Training sciences & psychology magazine. Period 3. No.1 [Persian]
- 6- Duncan, G.D. (2008). The Relationship Between Trait forgiveness and Marital Adjustment in Heterosxual Individuaals un pub lished doetorl pisseytation, capella, university.
- 7- Eugen. W. Farber. Jennifer. AJ.Schwarts, paul E. shaper M.A. De Ella.J. moonen, B.A. and J. Stephen mc Daniel MD. Journal of psychosomatics. (April 2000). 41, pp: 140-146
- 8- Filla, Salva, Jones, Linda. C. (1991). Relation between family members adjustment and hardiness. Feb. vol. 14 pp: 41-50.
- 9- Hassan shahi, M. (1999). "relation of married compatibility to center of women 's control". M.A thesis, Esfahan University [Persian]
- 10- Jamhari, F. (2002). " Consideration of relationship between..... & tendency to depression & anxiety between students of women & men of Tehran university", Doctoral Thesis. Tabatabaei University. [Persian]
- 11- kiamarsi, A. Abolghasemi, A. (2006). "obstinacy psychology", Ardebi university pub [Persian]
- 12- Kobasa, S.C. (1979). Stressful events, personality and health: An inquiry into hardiness. Journal of personality and social psychology, 37, 111.
- 13- Kobasa, S.C. maddi, S.R. & Zola, M.A. (1993). Type A and hardiness. Journal of Behavioral Medicine, 6, 4151.
- 14- Kobasa, S.C.& puccetti, M.C. (1983). Personality and social psychology, 45, 893850
- 15- Kobasa. S.C. (1988). hardiness. In Lindzey, et al. (EDS). Psychology (3rd.ed) new york: worth publishers.

- 16- Lambert, V. A. (2007). Predictors of Physical and mental health in hospital nurses within the people's Republic of China , international nursing review, 54(1), 85-91
- 17- Lee, E.N. (1991). The relationship between hardiness and psychosocial adjustment of persons with colostomies. *KanhoHakhoe.chi*, 21(3), 218229.
- 18- Lock,H.J and Wallace , k.m (1959). Short marital – adjustment and prediction tests : their reliability and validity. *Marriage and family living* , 21,251255.
- 19- Maddi. S.R. & Hess. M. (1992). hardiness and basketball performance. *International Journal of sports psychology*, 23,360368
- 20- Maddi ,S.R.(1994). Issues and interventionin in stress mastery. In S.MRI riedman (Ed.) *personality and disease*.
- 21- Madden , M.E., and Janoff,B.R(1981). Blome , come, control and marital satisfaction: Wives, attribution for conflict in marriage. *Jornal of marriage and the family*. 43(3), 663671.
- 22- Mathis,m ., lecci.l.(1999). Hardiness and college adjustment: identifying students in need of services . *journal of collage student development*, 40(3), 305309.
- 23- Nakhoda, H., (1998)," simple & multiple relation of obstinacy & social protection with mental & body health of women in Shoshtar", M.A thesis, Ahvaz University. [Persian]
- 24- Olia, N., (2010), "Education of enrich married life", the first edition, Tehran, danjeh Pub. [Persian]
- 25- Olson. DH(2004). The relationships between communication skills and marital satisfaction. *j marriage family*. vol.59. 889-919.
- 26- Ouellette, s.c (1992). inpuiries in to hardiness. in k; Goldberger and S.Brenitz. (Eds) *Handbook of stress* (2nded). Newyork: free press.
- 27- Parkes. K.R. & Rendail. D.(1998). the hardy personality. and its relationship to extraversion and neuroticism. *Journal of personality and individual differences*. 9-785-790.
- 28- Razmi, f. (2007)."Consideration of effect of short term couples therapy as self regularity on reduction of challenges between cultural couples in Marvdasht", M.A thesis, Marvdasht university. [Persian]
- 29- Sabatelli, R.M. (1986). locus of control differences and quality of relationship in married dyads , *psychological* . 58 (3), 939945
- 30- Sarokhani, B. (2002)." Introduction to family sociology", the fourth edition, Tehran, Soroush Pub. [Persian]
- 31- Sedghamix, kh. (1997)." consideration of effective factors on married compatibility", M.A thesis, Shiraz university.

- 32- Taleshi, Sedigheh. (2009). "Effective of performance of family therapy model on increase of couples married compatibility in Amol", Marvdasht University. [Persian]
- 33- Seaward, B.L. (1997). Managing stress; principales and strategies for health and well-being. Uk; jonson and barteit
- 34- Senchak, m. and Leonard, K.E. (1993). the role of spouses'depression and anger in the attributionmarital satisfaction relation. Cognitive therapy and research. 17(4), 397409
- 35- Sharply, C.F.& Cross. D.G. (1982). Apsychometric evaluation of the spanier dyadic adjustment scal. Journal of marriage and the family. 44(3). 739-741.
- 36- Sheikh Mohseni, E. (2005)."relation of control center & documental styles with married compatibility of employed couples", M.A thesis, Arsanjan University. [Persian]
- 37- Shokr kon, h. (2006)." Resources of resistance against mental pressure, papers collection of the first congress & stress & mental diseases",Tehran, Tabatabaei University. [Persian]
- 38- Shultz`D. (1977). Thoeries of personality . newyork : Brooks/cole.
- 39- Solkova, Lva, tomanek, powel. (1994). Studia psychologica vol. 36pp 390392
- 40- Spanier, G.B and Thompsonal. (1982). Aconfirmatory analysis of the dyadic adjustment scale. journal of marriage and the family. 44(3), 731738
- 41- Spanier, G.B. (1976). Measuring dyadic adjustment; new scales for assessing the quality of marriage and similar dyads. journal of marriage and family, 38, 1528
- 42- Vardi, M. (2001)." relation of perfection & psychology with mental health & function students of girl in Ahvaz pre university centers", M.A thesis, Ahvaz university. [Persian]
- 43- Walsh, fromar. (1996). family process, sept. vol 35 pp 261 – 281
Interaction and individual psychological health. Journal of counseling and development 72(6), 514623
- 44- Yar Ali, Kh. (2000)."simple & multiple relation of obstinacy & social protection
With body health of women in Shoshtar", M.A thesis, Ahvaz university [Persian]
- 45- Yancey, R. j. (2007). resilience and adjustment to marriage unpublished doctoral disseration .Journal of marital and family vol, pp. 4856



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی